

مقایسه مفاهیم قدرت، منافع و هویت در نظریات والتز و ونت

منا میرمحمدی

اندیشکده روابط بین الملل: به نظر می رسد که سازه انگاری و نئورئالیسم جایگاه خود را در ادبیات روابط بین الملل پیدا کرده و به عنوان دو مکتب فکری متضاد در برابر یکدیگر قد علم کرده اند. اگر بخواهیم تعریف نه چندان کاملی از سازه انگاری ارائه دهیم، معمولاً این تئوری با ویژگی هایی چون ضد خرد گرایی و مادی گرایی تعریف می شود که بیانگر تفاوت سازه انگاری و نو واقع گرایی در روش شناسی است؛ از یک طرف مادی گرایی نئورئالیسم و از طرفی ایده آلیسم سازه انگاری. اگرچه که ونت بین ایده آلیسم the-ism of ideas و the-ism of ideals تفاوت قائل شده است. به طوری که اولی به همان تئوری اجتماعی و دومی به مکتب فکری که در مقابل واقع گرایی قرار داشت، اشاره دارد.

مسئله دیگری که تفاوت بین این دو مکتب فکری را آشکار میکند، همان طور که مارش و اولسون (march&olsen) اشاره میکنند، تمایز بین منطق رویدادها به هنگامی که بازیگر برای رسیدن به هدف، رفتاری را نشان می دهد و منطق مقتضی در زمانی که بر اساس انگاره ای خاص رفتاری را نشان می دهد است. اگرچه که به نظر می رسد این دو رویکرد توضیحات قابل قبولی را در ارتباط با ادبیات روابط بین الملل ارائه داده اند اما هر دو مشکلاتی دارند که در ادامه مقایسه به این مشکلات اشاره خواهد شد.

برای مقایسه مفاهیم قدرت، منافع و هویت در دو دیدگاه ونت و والتز نمی شود به طور مشخص تعیین کرد که نظر والتز راجع به قدرت چیست و یا ونت منافع را چگونه تعریف میکند. این مقایسه نیازمند بررسی های بسیار زیاد است. در هر حال با مطالعه ی آثاری از این دو تئوریسین میتوان تا حدی مقصودشان را از این ۳ مفهوم درک کرد. در ادامه ابتدا نظریات والتز را بررسی کرده و سپس به نظریات ونت می پردازیم.

قدرت:

با بررسی های به عمل آمده توسط نگارنده، به نظر می رسد زمانی والتز به بحث قدرت می پردازد که از امنیت سخن می گوید. وی با این سؤال بحث خود را مطرح می کند که چگونه دولت ها برای تامین امنیت خود

عمل میکند؟ (how do states go about achieving security). پاسخ والتز به این سؤال اینست

که عامل اصلی تامین امنیت برخوردار بودن دولت از توانایی برای حمایت از خود در برابر حمله است.

قدرتی که یک دولت باید داشته باشد ترکیبی است از جمعیت، قلمرو، منابع اقتصادی و توانایی های نظامی؛

چرا که اینها همه به دولت کمک می کند تا از حمله جلوگیری کند. منابع اقتصادی به دولت کمک می کند تا

توانایی های نظامی اش را افزایش دهد. توانایی نظامی به دولت این امکان را می دهد تا در حمله احتمالی

قدرت دفاع و حمله متقابل داشته باشد. بنابراین، توانایی نظامی عنصر کلیدی در قدرت یک دولت است.

در ادامه والتز اشاره میکند که دولت ها برای بدست آوردن قدرت نظامی دفاعی دو گزینه در پیش رو دارند:

اول موازنه خارجی (external balancing) - ایجاد اتحاد ها با دول دیگر و دوم موازنه داخلی (internal

balancing - افزایش توانایی های اقتصادی خود کشور برای ایجاد نیروی نظامی عظیم تر. اگر چه که

والتز در ادامه خود مخالف افزایش مداوم نیروی نظامی است. چرا که این کار باعث افزایش ترس در نظام بین

الملل می شود و هزینه را برای دولت بالا می برد.

در کل قدرت از دیدگاه نئورئالیست امریست رابطه ای (relational) و نسبی. نسبی به این معنا که قدرت

بازیگر A اندازه گیری نمی شود مگر در مقایسه با قدرت بازیگر B. رابطه ای به این معنا که اگر این دو بازیگر

به رفتار یکدیگر پاسخ دهند آنگاه می شود توانایی ها را سنجید. بنابراین این در هر زمینه ای باید توانایی ها را

بررسی کرد که در هر زمینه ای خود وابسته به انگاره هایی است مبتنی بر اینکه چه نوع قدرتی میتواند و باید

استفاده شود، چطور باید استفاده شود و با چه هدفی.

برای روشن شدن رابطه ای بودن قدرت در مکتب رئالیسم به جمله ای از ای اچ کار اشاره می کنم که می

گوید: به کارگیری ابزارهای سنتی در سیاست خارجی باعث محقق جلوه دادن اعمال آن دولت در برابر دول

دیگر نمی شود. حتی اگر این سیاست ها از روی نیت خوب باشد بعضی وقتها شکست می خورد. قدرت حتی از

این هم فراتر می رود تا راحتی اخلاقی (morality convenient) برای خود خلق کند و البته زور یک

منبع مناسب برای ایجاد رضایت است. اما زمانی که تمام این موارد بدست آید این مسئله درست و به حق جلوه

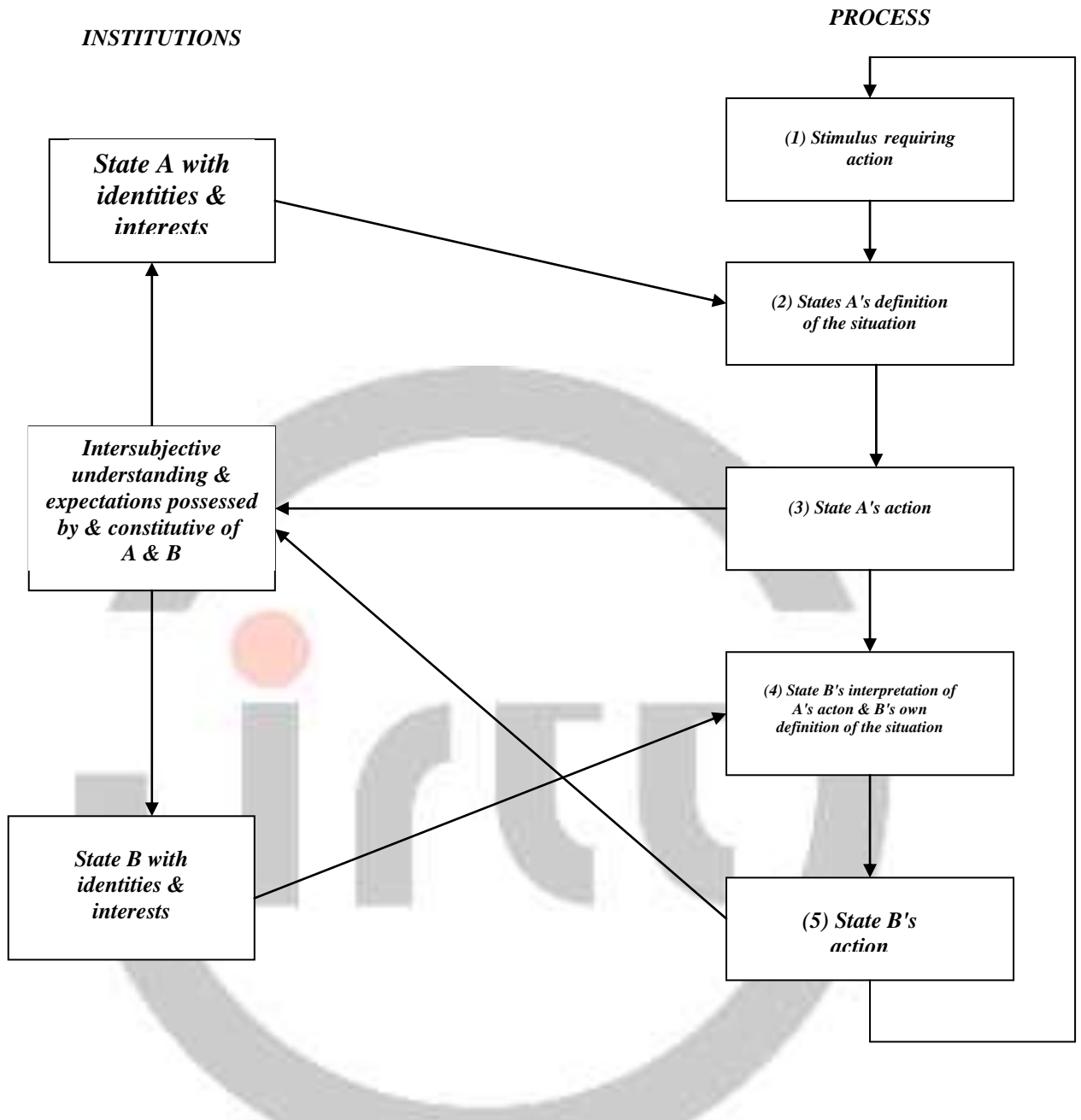
می کند که تنها زمانی یک نظم و همبستگی نوین جهانی ایجاد می شود که از طرف همه پذیرفته و قابل

تحمل باشد.

منافع و هویت:

والتز تعریف خود از دو مفهوم منافع و هویت را در ساختار نظام بین الملل می گنجانده. وی با این پیش فرض ساده شروع می کند که دل مشغولی دولتها حفظ و بقای خود است اگرچه که اهداف دیگری نیز دارند. حفظ بقا انگیزه ای است که دولتها را وادار می کند برای حفظ آنچه که دارند تلاش کنند. این امر باعث افزایش رقابت در نظام بین الملل می شود، اگرچه که هیچ اختلافی نداشته باشند.

بعد از توضیحات ارائه شده توسط والتز، وی این سؤال را طرح میکند که طبیعت رقابت آمیز نظام بین الملل را چه توضیح میدهد؟ وی توضیح می دهد که آنارشی نظام بین الملل دولت ها را در وضعیت خودیاری (self-help) قرار میدهد؛ به طوری که هیچ مرکز اقتداری برای کنترل و حمایت از آنان وجود ندارد. بنابراین خودیاری که منطبق نظام بین الملل است به نوعی دولتها را در وضعیت رقابتی قرار میدهد. بنابر این ساختار آنارشیک دولتها را تعریف می کند، به آن ها موجودیت می بخشد و منافع آن ها را شکل می دهد. دولت ها اگرچه که با هم متفاوتند اما زمانی که در ساختار نظام بین الملل عمل کنند منافع و هویت مشترک دارند. آنها همه احساس نا امنی کرده به دنبال حفظ خود هستند و همه در صدد افزایش توانایی های خود می باشند. تفاوت والتز با ونت تفاوتی معرفت شناختی است. والتز معتقد است که ساختار آنارشیک، نظام بین الملل و اعمال و رفتار دولت ها را شکل می دهد. در حالی که ونت از دولتها یا کار گزار (agency) شروع کرده و معتقد است که انگاره های مشترک دولت ها را بر میسازد. این انگاره ها موجب این میشود که هر دولت خود را به گونه ای متفاوت بر سازد و تعریف کند. بنابراین ذات دولت ها ثابت نیست بلکه متغیر است و دولت ها بطور مداوم در حال تعریف و باز تعریف خود و دیگری هستند. جدول زیر به خوبی این موضوع را بیان می کند.



The codetermination of institutions & process

نیکلاس اونف در یکی از آثار خودش این گونه ذکر می کند که ماده و جامعه بر هم تاثیر میگذارند و همدیگر را آلوده (contaminate) میکنند، اما به طور متغیر. به عبارتی افراد و جوامع یکدیگر را بر می سازند و البته این به این معنا است که همه چیز خارج از ذهن اتفاق نمی افتد. در حقیقت هیچ خط تمایز مشخصی بین انگاره ها و مسائل مادی فیزیکی وجود ندارد.

این انگاره ها و تعریف از خود و دیگری موجب شکل گیری منافع گوناگون در شرایط گوناگون میشود. این که قدرت چیست و چه کسی قدرت دارد، باز وابسته به تعریف بازیگر از خود و دیگری است. به طوری که سلاح های اتمی کره شمالی برای امریکا تهدید به شمار می آید و نوعی بر هم خوردن توازن قدرت است. در حالی که سلاح های اتمی انگلستان که تعدادشان بسیار بیشتر است تهدید به حساب نمی آید. یا در جایی دیگر ونت می گوید که اگر امریکا و شوروی دیگری را دشمن تلقی نمی کردند، جنگ سرد به پایان می رسید.

هویت ها منشا منافع هستند (identities are the basis of interests). بازیگران برای خود هیچ لیست و دفترچه ای از منافع خود ندارند که جدای از زمینه ی اجتماعی که در آن هستند با خودشان حمل کنند. به عبارتی دولت ها منافع خود را در فرایند تعریف هر شرایط خاصی (process of defining situation) شکل می دهند. همان طور که نلسون فوت (nelson foote) توضیح می دهد اگر هر بازیگری با مشکلی در صحنه سیاست بین الملل روبرو شود در ابتدا آن مشکل را در آن شرایط تعریف می کند و عکس العمل نشان می دهد. این منجر به بهترین تصمیم و واکنش می شود.

در رابطه با نقدی که سازه انگارها بر والتز در این مورد وارد می کنند مثالی است راجع به پول. همانطور که گفته شد پول شی ای است ساخته اجتماع که افراد به طور جمعی بر روی آن به عنوان معیار سنجش کالاها توافق دارند. حال برای مثال اگر پول به میزان زیادی وجود داشته باشد و تقاضا نباشد ما با تورم روبرو خواهیم بود. این یک سیستم مالی است که علیرغم ضعف آن مورد پذیرش همه می باشد. حال اگر هیچ انگاره مشترکی وجود نداشته باشد پس نه قدرتی وجود دارد نه سیستم موازنه قدرت. چرا که نه قدرت به عنوان یک معیار پذیرفته شده است و نه سیستم موازنه آن.

از این رو ونت در مقاله آنارسی آن چیزی است که دولت ها از آن می فهمند، پیشنهاد می دهد که به ۳ تعریف ارائه شده از ساختار والتز یک مورد دیگر نیز اضافه شود: (۱) اصل سازمان دهنده؛ (۲) تعیین کارکرد واحد ها؛ (۳) توزیع توانمندی ها و (۴) ساختاری متشکل از هویت ها و منافع بینا ذهنی (the intersubjectively constituted structure of identities and interests).

اما مسئله این است که هر دو دیدگاه کاستی هایی نیز دارند. نئورئالیسم به علت اینکه تفکر سیستمی نسبت به نظام بین الملل ندارد، آن ها را مانند توپ بیلبارد جدا از هم تعریف کرده و هیچ نوع رابطه ای بین آن ها برقرار

نمی‌کند. این دیدگاه به نظر سطحی گرا است و مسائل پیچیده در نظام بین الملل را بسیار ساده تحلیل می‌کند. اگرچه که شواهد تاریخی دال بر پیروزی این دیدگاه است.

اما سازه‌انگاری نیز با محصور کردن خود در انگاره‌ها و هویت‌ها دچار نوعی بلاتکلیفی است. چرا که هیچ راه حلی نمیتوان برای این اساس ارائه داد. به علاوه اینکه این دیدگاه این موضوع را درک نکرده است که بر اساس هر محرک خاصی یک واکنش خاص ایجاد می‌شود و اگر انگاره‌ای وجود دارد محرک خارجی هم وجود دارد. پس تنها انگاره نیست بلکه محرک خارجی نیز این انگاره را شکل می‌دهد.

سیاست‌نیازمند کار گزار (agency) است و کار گزار نیز هم به ایده و هم به ماده نیازمند است؛ ایده از آن رو که بدون تفکر به عنوان انگیزه هیچ کار گزار وجود نخواهد داشت، بلکه تنها یک رابطه را کد خواهیم داشت. ماده از این جهت که در نهایت فرد نیازهای مادی فیزیولوژیکی نیز دارد. برای روشن شدن مطلب مثالی می‌آوریم. پول مفهومی ست ساخته اجتماع. این شیئی ارزش این را دارد که فرآورده‌هایی را فراهم کند، اما ذاتاً دارای این ارزش نبوده است. به عبارت دیگر تا زمانی ارزش مبادلاتی دارد که جمع این ارزش را قبول کرده است. بنابراین این شی مادی ارزشی معنوی نیز دارد.

بنابراین، هر دو دیدگاه نقص‌هایی دارند که با تعریف مفاهیم آنها میتوان به نقاط ضعف شان پی برد. به علاوه اینکه مقایسه امکان صیقل هر چه بیشتر این دو دیدگاه را بهتر فراهم می‌آورد.

منابع

فارسی:

- ۱) تحول در نظریه های روابط بین الملل. حمیرا مشیرزاده، تهران: سمت، ۱۳۸۴
- ۲) نظریه اجتماعی سیاست بین الملل. الکساندر ونت، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۴.
- ۴) خلاصه ای از ترجمه کتاب تئوری روابط بین الملل. کار کلاسی امید طاهر نژاد. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، درس تئوری های روابط بین الملل، ۱۳۸۹.

انگلیسی:

- 5) Anarchy is what states make of it. Alexander Wendt. International organization, Vol.46, No.2. (Spring, 1992), pp.391-425.
- 6) Realism, constructivism, and international relations theory. Samuel Barkin. Paper prepared for the presentation at the annual meeting of the American political science, September 3, 2009.
- 7) International relations theories. Charles L. Glaser.

برای تهیه محصولات به فروشگاه اندیشکده مراجعه کنید
www.irthink.com

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۵۶۴۵۴۴۲
پست الکترونیکی: irttin@gmail.com
www.irthink.com